**بررسی و مقایسۀ دیدگاه قرآن کریم و عهد قدیم دربارۀ زنبور**

حامد نظرپور، استادیار ادیان و عرفان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

h.nazarpour@ltr.ui.ac.ir، 09103031152

**چکیده**:

**بیان مسئله**: حیوانات در جهان هستی و زندگی انسانها اهمیت و جایگاه به سزایی دارند. نام برخی حیوانات در متون مقدس ادیان نیز ذکر شده است. متون مقدس ادیان اهمیت و جایگاه ویژه ای نزد پیروان آنها و در استنباط آموزه های دینی دارند. یکی از حشراتی که نام آن در قرآن کریم( متن مقدس مسلمانان) و عهد قدیم( متن مقدس یهودیان و بخشی از متن مقدس مسیحیان) دیده می شود، زنبور است. به دلیل اهمیت این متون و نقش رویکرد مقایسه ای در فهم بهتر موضوع و گفتگوی بین ادیان، بررسی جایگاه زنبور در این متون مهم و ضروری است.

**هدف پژوهش**: هدف این مقاله بررسی دیدگاه قرآن کریم و عهد قدیم دربارۀ زنبور و مقایسۀ آنهاست. منظور از مقایسه بیان و تبیین تفاوتها و شباهتهاست.

**روش و چگونگی انجام پژوهش**: به روش کتابخانه ای و اسنادی آیات مرتبط جمع آوری و به روش توصیفی- تحلیلی ارائه می شوند.

**یافته ها و نتیجه گیری**: واژۀ زنبور در قرآن یک مرتبه و در عهد قدیم هفت مرتبه به کار رفته است. زنبور در قرآن کریم یکی از نشانه های الهی است. در عهد قدیم زنبور گاهی نماد جمعیت زیاد است. زنبور سرخ در عهد قدیم عاملان خداوند در عذاب دشمنان، فراری دادن و یا نابودی آنها هستند. عسل در هر دو متن، خوراکی شفابخش است و به عنوان یکی از نعمت های بهشتی و خوراکی های سرزمین موعود معرفی می شود. شباهت های این دو متن در این باره می تواند ناشی از منشا و مبدا وحیانی آنها و همچنین نقش حیوانات در زندگی انسان باشد. تفاوت های آنها با توجه به ماهیت متفاوت دو متن مقدس قابل تبیین است.

**واژه های کلیدی**: زنبور، قرآن، عهد قدیم، عسل، زنبور سرخ

**1) مقدمه**

 بخشی از موجودات جهان، حیوانات هستند که در زندگی انسان فواید و آثار زیادی دارند. خداوند با آفرینش حیوانات و مسلط کردن انسان بر آنها نعمت های فراوانی را به انسان عطا کرده است. انسان در کارهای مختلفی از جمله کشاورزی و حمل و نقل بار و مسافر از حیوانات استفاده می کند. از سرمایه های جوامع سنتی و صنعتی بهره گیری از فراورده ها و اجزای بدن حیوانات است. دامداری، پرورش طیور و زنبورداری از راه های کسب و کار هستند. تحقیقات علمی در چگونگی آفرینش و عملکرد اندام حیوانات، تحقیق دربارۀ رفتار و روش های فعالیت آنها و استفاده های بهداشتی، درمانی، آموزشی و پژوهشی در موسسات و مراکز جهانی جریان دارد. مجموعه جهان هستی، از جمله حیوانات، هوشمندانه با خالق خویش ارتباط دارند، هرچند ادراک آن از طریق متعارف برای انسان عادی مقدور نیست. به گواهی ایات قرآن و روایات معصومین(ع) حیوانات نیز ادراک، شعور، احساسات و عواطف دارند. بر اساس آیات قرآن کریم، جانوران و به ویژه چارپایان برای سوددهی به انسان آفریده شده اند( نحل، 5)[[1]](#footnote-1). البته این به معنای بهره برداری بی حد و حصر انسان از حیوانات نیست، بلکه آنها بر انسان حقوقی دارند و ضوابط شرعی و اخلاقی دقیقی بر این رابطه حاکم است(جوادی آملی، 1391، 641- 668 ).

علاوه بر اهمیت و جایگاه حیوانات در جهان هستی و زندگی انسانها، در متون مقدس ادیان نیز از حیوانات یاد شده است. در قرآن کریم، به عنوان متن مقدس مسلمانان، بیش از دویست عبارت دربارۀ حیوانات است(Eisenstein, 2001, 93) و شش سوره به نام حیوانات نامگذاری شده اند( بقره، انعام، نحل، نمل، عنکبوت و فیل). خداوند به همۀ مخلوقات خود، از جمله حیوانات، توجه دارد و رزق آنها را تامین می کند( هود، 6؛ عنکبوت، 60). در قرآن کریم، حیواناتی که در آسمان ها و زمین پراکنده اند، به عنوان آیات الهی معرفی می شوند( بقره، 164؛ لقمان، 10؛ شوری، 29؛ جاثیه، 4). خداوند حیوانات را از آب آفرید(نور، 45)؛ همانگونه که همۀ موجودات زنده را از اب افرید(انبیاء، 30).

با وجود این، موضوع حیوانات و زندگی آنها هدف قرآن نیست و به تفصیل دربارۀ آنها سخن نگفته است. حیوانات آیات و نشانه های قدرت مطلق الهی هستند. قرآن از حیوانات در رابطه با انسانها سخن می گوید و دربارۀ زندگی آنها در محیط طبیعی شان سخن نمی گوید. حیوانات برای خدمت به انسان خلق شده اند. با وجود این، قرآن اطلاعات و دستورات کاملی دربارۀ چگونگی رفتار انسان با حیوانات ارائه نمی دهد. دیدگاه قرآن دربارۀ حیوانات نگاهی انسان محور است به این معنا که حیوانات مسخّر انسانها هستند(Eisenstein, 2001, 101).

در عهد قدیم نیز، به عنوان متن مقدس یهودیان و همچنین به عنوان بخشی از کتاب مقدس مسیحیان، از حیوانات یاد شده است. خداوند خالق حیوانات است( مزامیر، 104). در سفر پیدایش آمده است« خدا فرمود زمین، انواع جانوران و حیوانات اهلی و وحشی و خزندگان را بوجود آورد. و چنین شد. خداوند انواع حیوانات اهلی و وحشی و تمام خزندگان را را به وجود آورد»( پیدایش، 1/ 24-25). همه حیوانات متعلق به خداوند هستند( مزامیر، 24/ 1). خداوند خود را مالک همه چیز از جمله حیوانات می داند« همه حیواناتی که در جنگل و کوه هستند از آن من هستند، همۀ پرندگانی که بر کوه ها پرواز می کنند و تمام حیواناتی که در صحرا می چرند به من تعلق دارند»( مزامیر، 50/ 10 و 11).

اینکه متون مقدس از حیوانات سخن می گویند به این معنا نیست که هدف اصلی این کتب، بیان تمام جزئیات زندگی حیوانات است؛ بلکه در راستای هدف اصلی که دارند و آن هدایت و تربیت انسان است، از ابزارها و روش های مختلف استفاده می کنند. برای مثال دربارۀ قرآن کریم، علامه طباطبایی در توضیح آیه ای که قرآن را بیان کنندۀ همه چیز می داند(تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ( نحل، 89)) می فرمایند: « چون قرآن كريم كتاب هدايت براى عموم مردم است و جز اين كار و شانى ندارد لذا ظاهرا مراد از" لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ" همه آن چيزهايى است كه برگشتش به هدايت باشد از قبيل معارف حقيقى مربوط به مبدأ و معاد و اخلاق فاضله و شرايع الهى و قصص و مواعظى كه مردم در اهتداء و راه يافتنشان به آن محتاجند، و قرآن تبيان همه اينها است، نه اينكه تبيان براى همه علوم هم باشد(طباطبایی، 1374، ج‏12، 469). بنابراین با بررسی متون مقدس می توان به جایگاه حیوانات در این متون و هدف ذکر نام برخی حیوانات در آنها پی برد.

از طرفی یکی از حیوانات، و به عبارت دقیق تر حشراتی، که در قرآن و عهد قدیم از آن یاد می شود، زنبور است. از طرف دیگر، یکی از رویکردهای مطالعاتی، رویکرد مقایسه ای است که موجب فهم بهتر موضوع و ابعاد مختلف آن می شود. علاوه بر این، مطالعات مقایسه ای مقدمۀ گفتگو و همزیستی مسالمت آمیز بین پیروان ادیان مختلف، به عنوان یک ضرورت جهان معاصر، است. بر این اساس، این مقاله به دنبال بررسی دیدگاه قرآن کريم و عهد قدیم، دربارۀ زنبور و عسل با رویکرد درون دینی و مقایسه ای و به روش توصیفی است.

**2) زنبور و عسل در قرآن**

معادل عربی زنبور« النحل» است. واژۀ نحل در زبان عربی به معنای هرگونه هدیه و عطای بلاعوض است(راغب، 1332، 795؛ طریحی، 1362 ، ج5، 478؛ فراهیدی، 1405، ج‏3، ص: 230). تفاوت عطیه و نحله این است که نحله را انسان با رضایت کامل عطا می کند(عسکری، 1412، ص: 162). راغب در وجه تسمیه « نحل» از حکما نقل می کند که شاید از این جهت باشد که ضرری به چیزی نمی رساند و بیشترین نفع را می رساند، از جمله اینکه عسلی تولید می کند که موجب شفاست(راغب، 1332 ، 795). صاحب مجمع البحرین معتقد است زنبور از این جهت نحل خوانده می شود که خداوند عسلی را به انسان عطا کرده که از او خارج می شود(طریحی، 1362، ج5، 478).

علاوه بر اینکه نام سورۀ شانزدهم قرآن « نحل» است، واژۀ «النحل» فقط یک بار در قرآن( نحل، 68) آمده است. این آیه در مجموعه آیاتی( آیات 65 تا 77)[[2]](#footnote-2) قرار دارد که نعمت های الهی را بیان می کنند و از آن توحید، نبوت و معاد را نتیجه می گیرد.

آیۀ 68 سوره نحل می فرماید: « و پروردگار تو به زنبور عسل وحى [الهام غريزى‏] كرد كه از پاره‏اى كوه‏ها و از برخى درختان و از آنچه داربست [و چفته‏سازى‏] مى‏كنند، خانه‏هايى براى خود درست كن‏»[[3]](#footnote-3).

نکته جالب توجه آیه این است که زنبور مخاطب وحی الهی قرار می گیرد. البته معنا و ماهیت این وحی با وحی نبوی متفاوت است. واژۀ « وحى» در لغت به معناى اشاره سريع است، كه البته همواره از جنس كلام و از باب رمزگويى و يا به صورت صوت و مجرد از تركيب و يا به اشاره و امثال آن است(مفردات راغب، ماده وحى). از موارد کاربرد آن بدست مى‏آيد كه از باب القاى معنا بطور پنهان از دیگران است، پس الهام به معناى القاى معنا در فهم حيوان از طريق غريزه هم از وحى است، هم چنان كه ورود معنا در نفس انسان از طريق رؤيا و همچنين از طريق وسوسه و يا اشاره، همه از وحى است(طباطبایی، 1374، ج‏12، ص 423).

معناى اين عبارت که « وَ أَوْحى‏ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ» اين است كه خداوند به زنبور عسل از راه غريزه‏اى كه در بنيه او قرار داده الهام كرده است(طباطبایی، 1374، ج‏12، ص: 423؛ طبرسی، ج‏14، ص: 8). كلمه «وحى» در قرآن كريم در موارد متعددی به كار رفته است. شكل استعمال اين كلمه و کاربردهای مختلف آن نشان مى‏دهد كه قرآن آن را منحصر به انسان نمى‏داند و آن را در همه موجودات و به ویژه در موجودات زنده سارى و جارى مى‏داند؛ از اين رو در مورد زنبور عسل به وحى تعبير مى‏كند. البته درجات وحى و هدايت، بر حسب تكامل موجودات، متفاوت است(مطهرى، 1372، ج‏2، ص 154).

در آیۀ 69 خطاب به زنبور می فرماید:« سپس از همه ميوه‏ها بخور، و راههاى پروردگارت را فرمانبردارانه، بپوى. [آن گاه‏] از درون [شكم‏] آن، شهدى كه به رنگهاى گوناگون است بيرون مى‏آيد. در آن، براى مردم درمانى است. راستى در اين [زندگى زنبوران‏] براى مردمى كه تفكر مى‏كنند نشانه [قدرت الهى‏] است»(نحل، 69). امر به اينكه از همه ميوه‏ها بخورد، با اينكه زنبور عسل از ميوه‏ها نمى‏خورد و غالبا روى گلها مى‏نشيند، شاید از این جهت است كه غذاى زنبور عسل از همان مواد اوليه ميوه‏ها است، كه در شكوفه‏ها جاى دارد، و رشد نکرده است.

عبارت «راههای پروردگارت» بر این مطلب دلالت دارد كه تمامى كارها و رفت و آمدهاى زنبور عسل با الهام انجام مى‏گيرد. نتيجه عمل و مجاهدت زنبور در فرمانبرداری از امر خداوند این است که از شكم او شرابی بيرون مى‏آيد كه داراى رنگهاى مختلف است و براى مردم مایۀ شفاست. روشن است که منظور از این شراب، عسل است.

جمله‏" إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ" پایان بخش این ایه است. اینکه فرموده نشانه ای برای متفکران است شاید از این جهت است كه سخن از زنبور عسل و زندگى آن كه سراسر عجايب و دقائق است به ميان آمد و آن اسرار و دقائق براى انسانها كشف نمى‏شود مگر با تفكر، پس زندگى زنبور عسل آيتى است براى مردمى كه تفكر كنند(طباطبایی، 1374، ج‏12، ص: 425).

به نظر صاحب تفسیر مجمع البیان علت اينكه خداوند مى‏فرمايد عسل از شكم زنبور خارج ميشود، اين است كه تصور نشود، فقط از دهان اوست و به شكم او ارتباطى ندارد(طبرسی، ج‏14، ص: 10).

در اينجا اين سؤال پيش مى‏آيد كه غریزه يا الهام غريزى منحصر به زنبور عسل نيست و در همه حيوانات وجود دارد، چرا تعبیر وحی فقط برای زنبور استفاده شده است؟ تفسیر نمونه پاسخ این سوال را اینگونه می دهد که قرآن می خواسته اين واقعيت را روشن سازد كه زندگى زنبوران عسل را نبايد با انعام و چهار پايان و مانند آنها مقايسه كرد( مكارم شيرازي، 1374، ج‏11، ص: 297). به عبارت دیگر، به کار بردن واژۀ وحی برای زنبور، نشان دهندۀ اهمیت نقش و جایگاه این حشره است.

یکی از واژه های مرتبط با زنبور، عسل است. این واژه در قرآن فقط یک مرتبه و در سوره محمد(ص) آیۀ 15 ذکر شده است.این آیه در توصیف بهشت است که نهرهایی از آب خالص، شیر، شراب و عسل در آن جاری است: « مَثَلِ بهشتى كه به پرهيزگاران وعده داده شده [چون باغى است كه‏] در آن نهرهايى است از آبى كه [رنگ و بو و طعمش‏] برنگشته؛ و جويهايى از شيرى كه مزه‏اش دگرگون نشود؛ و رودهايى از باده‏اى كه براى نوشندگان لذّتى است؛ و جويبارهايى از عسل ناب. و در آنجا از هر گونه ميوه براى آنان [فراهم‏] است و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگار آنهاست. [آيا چنين كسى در چنين باغى دل‏انگيز] مانند كسى است كه جاودانه در آتش است و آبى جوشان به خوردشان داده مى‏شود [تا] روده‏هايشان را از هم فروپاشد؟»[[4]](#footnote-4).

البته علاوه بر این، همانطور که بیان شد، در آیۀ 69 سوره نحل، بدون ذکر نام عسل، از آن سخن به میان آمده است.

بنابراین در قرآن کریم زنبور به عنوان یکی از نشانه های الهی و عسل او به عنوان یکی از نعمت های خداوند معرفی می شود که برای انسانها علاوه بر مغذی بودن، موجب شفا نیز هست. عسل یکی از خوراکی های بهشتی به شمار می آید و این نشان از اهمیت و مطلوبیت آن دارد.

**3) عسل و زنبور در عهد قدیم**

در عهد قدیم واژۀ زنبور(bee) چهار مرتبه تکرار شده است که در سه مورد به صورت جمع( تثنیه، 1/ 44؛ داوران، 14/ 8؛ مزامیر، 118/ 12) و در یک مورد به صورت مفرد( اشعیا، 7/ 18) آمده است.

در باب اول سفر تثنیه، در بیان اینکه بنی اسرائیل مورد حمله و تعقیب دشمنان قرار گرفتند، حملۀ دشمنان به بنی اسرائیل را به حملۀ زنبورها تشبیه می کند: « مثل زنبور آنها را دنبال کردند»[[5]](#footnote-5)(تثنیه، 1/ 44).

در کتاب داوران در بیان سرگذشت سامسون، گزارش می کند که انبوهی از زنبور و مقداری عسل درون لاشۀ شیری قرار داشتند: « چشمش به انبوهی از زنبور و مقداری عسل در داخل لاشه افتاد. مقداری از آن عسل را با خود برداشت تا در بین راه بخورد»[[6]](#footnote-6)( داوران، 14/ 8-9). البته بر اساس نظر مفسرین کتاب مقدس، زنبورهای عسل در لاشۀ تازۀ شیر ساکن نبودند؛ بلکه لاشۀ شیر در آن شرایط آب و هوایی و تحت تاثیر هزاران حشره و پرندگان شکاری و همچنین تابش نور خورشید در طی چند ماه، به وضعیتی مناسب درآمده بود که حیوانات تمیزی همچون زنبور در آن ساکن شده بودند(Jamieson, 1961, Judges, 14/ 8).

آیۀ سوم که در آن از زنبور نام می برد در باب 118کتاب مزامیر است که می گوید:« اگر همۀ دشمنان، مانند زنبور بر سر من بریزند و دور مرا بگیرند، به یاری خداوند تمام آنها را نابود خواهم کرد»[[7]](#footnote-7)( مزامیر، 118/ 10-12).

در کتاب اشعیا نیز در توصیف چگونگی حملۀ آیندۀ دشمنان به بنی اسرائیل آمده است: « و سربازان آشور را احضار خواهد کرد و ایشان مثل زنبور بر سر شما خواهند ریخت»[[8]](#footnote-8)( اشعیا، 7/ 18). در اینجا زنبور نماد ارتش نابودکننده است که تعداد آنها بسیار زیاد است(Worcester, 1926, 250-253 ).

در عهد قدیم علاوه بر زنبور عسل، از زنبور سرخ( hornet) نیز یاد می شود. این واژه سه مرتبه در عهد قدیم تکرار می شود. بنا به گزارش سفر خروج، خداوند دشمنان را به وسیلۀ زنبورهای سرخ فراری می دهد. خداوند به بنی اسرائیل وعده می دهد که« به هر سرزمینی که هجوم برید، ترس از خداوند بر مردمانش مستولی خواهد شد و آنها از برابر شما خواهند گریخت. من زنبورهای سرخ را می فرستم تا قوم های حوی، کنعانی و حیتی را از حضور شما بیرون کنند»[[9]](#footnote-9)( خروج، 23/ 27-28).

در سفر تثنیه نیز زنبورهای سرخ عاملان خداوند در نابودی دشمنان هستند: « خداوند، خدایتان زنبورهای سرخ و درشتی خواهد فرستاد تا آن عده از دشمنانتان را نیز که خود را پنهان کرده اند، نابود سازد»[[10]](#footnote-10)( تثنیه، 7/ 20).

در کتاب یوشع، یوشع سخن خداوند را نقل می کند که فرمود:« جنگجویان اریحا و بسیاری از قبایل دیگر از قبیل اموری ها، فرزی ها، کنعانی ها، حیتی ها، جرجاشی ها، حوی ها و یبوسی ها یکی پس از دیگری با شما جنگیدند. اما من همۀ آنها را مغلوب شما ساختم. زنبورهای سرخ به سراغ اموری ها فرستادم و دو پادشاه اموری را با مردمانش از پیش روی شما راندم»[[11]](#footnote-11)( یوشع، 24/ 11-12).

در عهد قدیم 60 مرتبه از عسل نیز یاد می شود. از دیدگاه عهد قدیم عسل اهمیت خاصی دارد. در عهد قدیم استفاده از عسل در هدایایی که بر آتش به خداوند تقدیم می شود، ممنوع است ( لاویان، 2/ 11 -12). عسل، شیرین ترین چیز است(داوران، 14/ 18). جمع آوری عسل در آیات اول سموئیل 14/ 25 و امثال 16/ 4 ذکر می شود.

 در عهد قدیم سرزمین موعود را اینگونه توصیف می کند که « سرزمین پهناور و حاصلخیزی که در آن شیر و عسل جاری است»[[12]](#footnote-12)( خروج، 3/ 8) و « سرزمینی سرشار از عسل»[[13]](#footnote-13)( تثنیه 8/ 8)؛ که به نظر دانشمندان یهودی، عسل خرماست (Lincoln, 2005, 847; Feliks, 2007, 250). عسل اغلب در لیست غذاهای سرزمین موعود ذکر می شود( تثنیه، 8/ 8؛ دوم سموئیل، 17/ 29؛ دوم تواریخ، 31/ 5). عسل، خوراکی گوارا( اول پادشاهان، 14/ 3؛ حزقیال، 16/ 3) و نماد شیرینی ( مزامیر، 19/ 11؛ 119/ 103؛ امثال، 16/ 24؛ حزقیال، 3/ 3) است. شیرینی عسل موجب شده است که عسل به عنوان استعارۀ چیزهای مطلوب و دلپذیر، مانند کلام خداوند( 24/ 13؛ 25/ 16) و حکمت تورات( امثال، 16/ 24، غزل 5/ 3)، مورد استفاده قرار گیرد(Frymer,2007, 517). عسل های وحشی که کمیاب هستند در میان بهترین غذاها ذکر می شوند( تثنیه، 32/ 13؛ مزامیر، 81/ 17؛ داوران، 14/ 18). در عهد قدیم، سخنان پسندیده به شانه عسل تشبیه می شود که « برای جان شیرین است و برای استخوانها شفادهنده»[[14]](#footnote-14)( امثال، 16/ 24). عسل باعث روشنی چشم می شود( اول سموئیل، 14/ 27 و 29).

با مروری بر آیات عهد قدیم مشخص می شود که زنبور عسل در این متن مقدس به عنوان نماد جمعیت بسیار زیاد و زنبور سرخ عامل عذاب الهی و فراری دادن و نابودی دشمنان خداوند است.

**4) مقایسه و نتیجه**

با بررسی آیات قرآن کریم و عهد قدیم دربارۀ حیوانات و به ویژه زنبور و مقایسه آنها، شباهت ها و تفاوتهایی مشاهده می شود. هر دو متن مقدس از برخی حیوانات از جمله زنبور نام می برند. البته هدف آنها از ذکر نام حیوانات، بررسی علمی دقیق و همراه با جزئیات نیست. عسل در هر دو متن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. عسل خوراکی شفابخش است و به عنوان یکی از نعمت های بهشتی(در قرآن) و خوراکی های سرزمین موعود( در عهد قدیم) معرفی می شود. تفاوت هایی در کاربرد واژۀ زنبور در دو متن وجود دارد. از لحاظ آماری، واژۀ زنبور در قرآن(النحل) یک مرتبه و در عهد قدیم هفت مرتبه( چهار مرتبه Bee و سه مرتبه Hornet) به کار رفته است. زنبور در قرآن کریم یکی از آیات و نشانه های الهی است و خداوند برای القای غرایز حیوانی به او، از واژۀ وحی استفاده می کند. در عهد قدیم گاهی از زنبور به عنوان نماد جمعیت زیاد استفاده می شود و گاهی در گزارش های تاریخی در معنای واقعی از آن یاد می شود. زنبور سرخ، که در قرآن کابردی ندارد، در عهد قدیم عاملان خداوند در عذاب دشمنان، فراری دادن و یا نابودی آنها هستند. در قرآن یک مرتبه به صراحت و یک مرتبه به صورت غیر مستقیم به عسل اشاره شده است. ولی در عهد قدیم 60 مرتبه نام عسل بیان شده است.

شباهت های متون در این باره می تواند ناشی از منشا و مبدا وحیانی آنها باشد( هرچند عهد قدیم تحریف شده است). علاوه بر این، در تبیین شباهت ها می توان گفت از آنجا که متون مقدس برای انسانها فرستاده شده اند و زندگی انسانها پیوند نزدیکی با حیوانات دارد، بطور طبیعی از حیوانات و محصولات آنها نیز سخن به میان می آید. برخی تفاوتهای این دو متن دربارۀ زنبور می تواند به علت اقتضائات تاریخی و اجتماعی و تفاوت شرایط فرهنگی و سطح مخاطب باشد. برخی تفاوت ها نیز ممکن است به دلیل ماهیت متفاوت دو متن مقدس اسلام و یهودیت باشد. قرآن کریم وحی الهی و معجزۀ جاوید پیامبر خاتم است که تحریف نشده و هدف آن انتقال پیام خداوند به انسانها و هدایت آنها به سعادت است. قرآن در راستای این هدف و برای تذکر و عبرت گیری انسانها از امور مختلفی از جمله توجه دادن به زندگی برخی حیوانات و جایگاه آنها در نظام خلقت استفاده می کند. ولی عهد قدیم مجموعه ای از کتابهایی است که برای یهودیان منبع هدایت است و در یک دورۀ تاریخی توسط افراد مختلفی به نگارش درآمده است. بیان عهد قدیم بیان تاریخی و ذکر حوادث و وقایع به ترتیب تاریخی است. لذا برای مثال، طبیعی به نظر می رسد که واژۀ عسل در عهد قدیم، نسبت به قرآن، کاربرد بیشتری داشته باشد؛ چرا که دغدغۀ نویسندگان عهد قدیم گزارش تاریخی است و در زندگی بنی اسرائیل نیز عسل نقش به سزایی داشته است.

**فهرست منابع**

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند

- کتاب مقدّس( ترجمه قدیم)، (2002)، انتشارات ایلام، چاپ سوم

- جوادی آملی، عبدالله،(1391)، مفاتیح الحیاه، نشر اسراء، چاپ سی و پنجم، قم

- راغب اصفهاني، حسين بن محمد،(1332)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ محمدسیدگیلانی، تهران

- طباطبایی، محمد حسین،(1374)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سيد محمد باقرموسوى همدانى،دفترانتشارات اسلامى جامعه‏ى مدرسين حوزه علميه قم، قم

- طبرسی، فضل بن محمد، تفسیر مجمع البیان، ترجمه حسین نوری همدانی، نشر فراهانی، تهران

- طریحی، فخر الدین بن محمد،(1362ش)، مجمع البحرین، چاپ احمدحسینی، تهران

- عسکری، حسن بن عبدالله،(1412)، معجم الفروق اللغویة، موسسة النشر الاسلامی، قم

- فراهیدی، خلیل بن احمد( 1405)، کتاب العین، دارالهجره، قم

- مطهری، مرتضی، (1372)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا، چاپ هشتم، قم.

- مكارم شيرازي، ناصر،(1374)، تفسيرنمونه، دارالكتب الإسلامية، تهران

- **The Holy Bible**, (1967), King james version, the world publishing company, New York.

- Eisenstein, Herbert, 2001, "**animal life**", encyclopaedia of the Quran, Editor: Jane Demmen McAuliffe, v. 1. Pp. 93-102.

- Feliks, Jehuda, (2007), "**bee**", encyclopaedia judaica, second edition, v. 3, p. 250.

- Frymer, tikva, (2007), "**honey**", encyclopaedia judaica, second edition, v. 9, p. 517.

- Jamieson, Robert and others, (1961), Jamieson, fausset and Brown's commentary on the whole Bible, Zondervan Pub., Michigan.

- Lincoln, bruce, (2005), "**Beverages**", encyclopedia of religion, second edition, gale, usa, v. 2, pp. 847-850.

- Wains, David, 2001, "**honey**", encyclopaedia of the Quran, Editor: Jane Demmen McAuliffe, v. 2. pp. 445-447.

- Worcester, John, (1926), **animals of the Bible**, Massachusetts new church union, Boston.

1. الانعام خلقها لکم [↑](#footnote-ref-1)
2. وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَحْيا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (65) وَ إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَناً خالِصاً سائِغاً لِلشَّارِبِينَ (66) وَ مِنْ ثَمَراتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَراً وَ رِزْقاً حَسَناً إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (67) وَ أَوْحى‏ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبالِ بُيُوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ (68) ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَراتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلاً يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (69)( نحل، 65- 69) [↑](#footnote-ref-2)
3. وَ أَوْحى‏ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبالِ بُيُوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ [↑](#footnote-ref-3)
4. مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتي‏ وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فيها أَنْهارٌ مِنْ ماءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَ أَنْهارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبينَ وَ أَنْهارٌ مِنْ عَسَلٍ‏ مُصَفًّى وَ لَهُمْ فيها مِنْ كُلِّ الثَّمَراتِ وَ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خالِدٌ فِي النَّارِ وَ سُقُوا ماءً حَميماً فَقَطَّعَ أَمْعاءَهُمْ [↑](#footnote-ref-4)
5. And the Amorites, which dwelt in that mountain, came out against you, and chased you, as **bees** do… . [↑](#footnote-ref-5)
6. … and, behold, [there was] a swarm of **bees** and honey in the carcase of the lion. And he took thereof in his hands, and went on eating.. . [↑](#footnote-ref-6)
7. They compassed me about; yea, they compassed me about: but in the name of the LORD I will destroy them. They compassed me about like **bees**… . [↑](#footnote-ref-7)
8. And it shall come to pass in that day, [that] the LORD shall hiss… for the **bee** that [is] in the land of Assyria. [↑](#footnote-ref-8)
9. I will send my fear before thee, and will destroy all the people to whom thou shalt come, and I will make all

thine enemies turn their backs unto thee. And I will send hornets before thee, which shall drive out the Hivite, the Canaanite, and the Hittite, from before thee. [↑](#footnote-ref-9)
10. Moreover the LORD thy God will send the hornet among them, until they that are left, and hide themselves from thee, be destroyed. [↑](#footnote-ref-10)
11. And ye went over Jordan, and came unto Jericho: and the men of Jericho fought against you, the Amorites, and the Perizzites, and the Canaanites, and the Hittites, and the Girgashites, the Hivites, and the Jebusites; and I delivered them into your hand. And I sent the hornet before you, which drave them out from before you, [even] the two kings of the Amorites; [but] not with thy sword, nor with thy bow. [↑](#footnote-ref-11)
12. … a good land and a large, unto a land flowing with milk and honey… [↑](#footnote-ref-12)
13. … a land of … honey… [↑](#footnote-ref-13)
14. Pleasant words [are as] an honeycomb, sweet to the soul, and health to the bones. [↑](#footnote-ref-14)